

مدل مفهومی معنای زندگی براساس آیات قرآن کریم

* محمدحسن حسینی
** محمدصادق شجاعی
*** عبدالله رحیمی

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تبیین مدل مفهومی معنای زندگی براساس آیات قرآن کریم و بررسی میزان روایی آن بود. برای این منظور، مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با معنای زندگی با استفاده از دو راهبرد "جست و جوی واژگانی" و "متن خوانی باز" از قرآن کریم گردآوری و با استفاده از روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی (شجاعی، ۱۳۹۹ الف) مورد بررسی قرار گرفت. سپس برای حصول اطمینان از تطابق آن‌ها با محتوای متون دینی از یکسو و کاربرد آن در حوزه روان‌شناسی از سوی دیگر، اعتبار یافته‌ها با استفاده از ارزیابی نظرات متخصصان به وسیله ۸ کارشناس با محاسبه شاخص روایی محتوا (CVI) و نسبت روایی محتوا (CVR) مورد بررسی قرار گرفت. پس از بررسی گزاره‌های قرآنی، هفت مولفه به دست آمد که شامل: خدا به عنوان مبدأ و مقصد هستی، هدفمندی خلقت، مسیر زندگی یگانه، ناپایداری زندگی دنیا، آسیب پذیری زندگی دنیا، گریز ناپذیری مرگ و زندگی جاودانه آخرت بود. سپس مدل مفهومی معنای زندگی براساس آیات قرآن استخراج گردید. براساس مدل مفهومی، این جهان دارای مبدأ و مقصدی است و همه موجودات تکویناً به سمت مقصد در حرکتند. هدف نهایی زندگی، رسیدن به زندگی سعادت‌مند اخروی است و راه رسیدن به این هدف، مسیر یگانه و صراط مستقیم است.

کلیدواژه‌ها: معنای زندگی، هدف از زندگی، خدا، مرگ، آخرت.

* دانشجوی دکتری روانشناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (mh Hoseini@riuu.ac.ir)

** استادیار پژوهشگاه بین‌المللی الصطفی‌العالمیه.

*** کارشناسی ارشد روانشناسی مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت قم.

مقاله علمی پژوهشی (تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۸).

مقدمه

یکی از اساسی‌ترین دل‌مشغولی‌هایی که هر انسانی در دوره‌هایی از زندگی‌اش با آن مواجه می‌شود پرسش دربارهٔ معنا، مفهوم و ارزش زیستن است. سوال‌هایی دربارهٔ زندگی؛ مثل این که آیا زندگی ارزش زیستن دارد؟ آیا زندگی معنی دارد؟ چه چیز زندگی را ارزشمند می‌کند؟ اگر معنایی برای زندگی متصور است، چگونه باید آن را دریافت یا محقق کرد؟ آیا با وجود رنج، می‌توان احساس معنا داشت؟ سوالاتی این چنین که پیوندی عمیق با زندگی انسان دارد، اشاره به مفهومی به نام «معنای زندگی» دارد (صمیمی و دیگران، ۱۳۹۹).

تلاش برای یافتن معنای زندگی خود، نیرویی اصیل و بنیادی است و توجهی ثانویه از کشش‌های درونی نیست (فرانکل^۱، ۱۳۹۶، ص ۱۴۵). پیدا کردن معنای زندگی بنیادی‌ترین انگیزش نوع بشر بوده (فرانکل، ۱۹۸۴، ۱۹۸۶؛ به نقل از جانبزرگی و غروی، ۱۳۹۵، ص ۲۲۶) و آگاهی از معنای زندگی پیش شرط لازم برای بهداشت روانی است. آگاهی از این که در زندگی انسان، معنایی وجود دارد به او کمک می‌کند که حتی در بدترین شرایط زنده بماند. در این گفته نیچه^۲ حکمتی عمیق وجود دارد: «هر که چرایی برای زندگی کردن دارد، می‌تواند تقریباً هر چگونه‌ای را تحمل کند اما امروزه معنا جویی اغلب نافرجام مانده است و با بیمارانی مواجهیم که دچار احساس پوچی شده‌اند» (فرانکل، ۱۳۹۶، ص ۱۱۶). اگر انسان در یافتن معنای زندگی موفق باشد، به نوعی استدلال دست می‌یابد که بیان‌گر معنای جهت‌گیری فرد

1. Frank. V.

2. Nietzsche. F. V

نسبت به یک هدف است، از این رو فرد بخش عمده‌ای از انرژی و زمان خود را به آن اختصاص می‌دهد و این امر باعث تعالی و شفای آدمی می‌شود (جاننزرگی و غروی، ۱۳۹۵).

معناداری زندگی معمولاً به احساسی از یکپارچگی وجودی اشاره می‌کند که به دنبال پاسخ دادن به چیستی و هدف زندگی، دستیابی به اهداف ارزنده و در نتیجه‌ی رسیدن به حس تکمیل‌یافتگی و مفیدبودن حاصل می‌شود (یه‌هو، چیونگ و چیونگ، ۲۰۱۰).^۱ علیرغم تلاش‌هایی که پژوهشگران و نظریه‌پردازان مختلف برای تعریف معنا کرده‌اند، هنوز اجماعی بر سر تعریف و نحوه‌ی عملیاتی کردن معنا در بین پژوهش‌ها وجود ندارد (گروودن و جوز، ۲۰۱۵).^۲

«زندگی»، به معنای چیز مبهمی نیست، اما درباره این‌که «معنا» در تعبیر «معنای زندگی» به چه معناست، سه برداشت وجود دارد: ۱) هدف؛ ۲) ارزش؛ ۳) کارکرد (بیات، ۱۳۹۰). اکثر محققین با رویکرد فلسفی، معنا را به معنای هدف گرفته‌اند (دیانی، ۱۳۹۰). اما روان‌شناسان بین این سه به صورت مشخص تمایز قائل نشده‌اند. معنای زندگی در روانشناسی اولین بار توسط ویکتور فرانکل مطرح شد و با انتخاب واژه یونانی لوگوس که به معنای "معنا" است روش جدید درمانی را بر پایه معنای زندگی ابداع نمود. درباره معنای زندگی دیدگاه‌های مختلفی بیان شده است. از نظر فرانکل زندگی به معنای مسئول بودن برای یافتن پاسخ راستین به دشواری‌ها و مشکلات آن و انجام وظایفی است که پیوسته فرا راه هر فردی قرار می‌گیرد. این

-
1. Yee Ho, M, Cheung, M, & Cheung, F.
 2. Grouden, M. & Jose, P.

وظایف و در نتیجه معنای زندگی نزد افراد مختلف و لحظه به لحظه به شکل متفاوتی بروز میکند، از این رو تعریف معنای زندگی و دادن یک فرمول، ناممکن است (فرانکل، ۱۳۹۶، ص ۱۱۷). به طور کلی فرانکل معنای زندگی را به احساس یا تجربه ای که هنگام پرداختن به فعالیت‌های مورد علاقه انسان، رفتن به دامان طبیعت، ملاقات دوستان، تماشای آثار ادبی و هنری یا وقتی که با یک منبع لایزال ارتباط برقرار می‌کند و خود را متکی به چارچوب‌ها و تکیه گاه‌های قابل اتکایی چون مذهب و فلسفه زندگی می‌بیند، تعریف کرده است (فرانکل، ۱۹۷۶، ص ۱۵۴).

مزلو^۱ (۱۹۷۱) معنای زندگی را خاصیت درون فردی می‌داند و مبتنی بر رویکرد خود، معنای زندگی را وابسته به درک نیازها می‌داند. او نیازها را سلسله مراتبی می‌داند و تا وقتی نیازهای سطح پایین ارضا نشده است، ارزش و معنای زندگی افراد کمتر برانگیخته می‌شود. از نظر وی مهم‌ترین فرایندها^۲ که به زندگی معنا می‌دهند، عبارت‌اند از داشتن یک سیستم ارزشی، فلسفه زندگی و مذهب. باتیستا^۳ و آلموند^۴ (۱۹۷۳) معنای زندگی را به ارزیابی شناختی و عاطفی فرد از زندگی در کلیت آن معنا کرده‌اند که با اعتقادات و باورهای فرد در ارتباط است. هرچه افراد به ارزش‌های بیشتری باور داشته و پای‌بند باشند، از زندگی معنادارتری برخوردارند (آذربایجانی و شجاعی، ۱۳۹۷). برخی با وسعت بخشیدن معنی زندگی مفاهیمی چون هدفمندی، رضایت از زندگی، شادکامی و خود فراروی را نیز در تعریف آن

1. Mazlo, A.
2. Meta-needs.
3. Batista, J.
4. Almond, R.

گنجانده‌اند. بامیستر^۱ (۱۹۹۱) معنای زندگی را مرتبط با چهار نیاز اساسی می‌داند که عبارتند از: هدفمندی در زندگی؛ احساس خودکارآمدی؛ داشتن مجموعه ارزش‌هایی که بتواند رفتارهای فرد را توجیه کند و وجود یک مبنای باثبات و استوار برای داشتن نوعی حس مثبت خود ارزشمندی ناتوانی. در ارضای این نیازها باعث احساس پوچی و بی‌برنامگی در زندگی می‌شود. از نظر (یالوم،^۲ ۱۹۸۰) معنای زندگی کاملاً به دین و معنویت مربوط است؛ معنای اعتقاد به الگویی از جهان است که به نوبه خود از دین یا معنویت مشتق می‌شود. همچنین پارک و فولکمن^۳ (۱۹۹۷) دین و معنویت را نمونه خوبی از ارائه معنای زندگی می‌دانند (سالاری فر، حیدری و شاطریان، ۱۳۹۸). ماسکارو و روزن^۴ (۲۰۰۸) با جمع‌آوری تعاریف مختلف، معنا را چنین تعریف کردند: برخورداری از یک چهارچوب نگرشی منسجم به زندگی، که موجب احساس هدفمندی و جهت‌مندی و در نهایت رضایت از زندگی می‌گردد.

گذشته از عرصه نظریه پردازی، در عرصه پژوهش، عمده پژوهش‌ها در مورد معنای زندگی در کشورهای غربی انجام پذیرفته است (برای نمونه: برونک، فینچ و تالیب،^۵ ۲۰۱۰؛ ماسکارو و روزن^۶ ۲۰۰۸؛ گردون و جوز ۲۰۱۵؛ یه هو، چیونگ و چیونگ، ۲۰۱۰)، و در داخل کشور تحقیقات گسترده‌ای در معنای زندگی صورت نگرفته است. صمیمی و دیگران (۱۳۹۹)، به مطالعه کیفی سازه معنای زندگی از زاویه

-
1. Baumeister.
 2. Yalom, I.
 3. Folkman, S & Park, C, L.
 4. Mascarro, N., & Rosen, D.
 5. Bronk, Finch & Talib.
 6. Mascarro, N & Rosen, D.

تجربه پدیدار شناسانه افراد نسبت به احساس معنا پرداختند. شایان‌فر و قلعه (۱۳۹۸)، به مؤلفه‌های مابعد الطبیعه معنای زندگی در دیدگاه یالوم پرداختند و بیان داشتند یالوم، زندگی را بدون حضور خدا و ماورای طبیعت، معنادار نمی‌داند. دیانی (۱۳۹۰)، به واکاوی معنای زندگی از منظر علامه طباطبایی با رویکردی فلسفی پرداخته و بیان کرد که انسان در ورود به دنیا اختیار ندارد اما در زندگی کردن در دنیا مختار است، پس باید برای این فعل ارادی خود هدفی بیابد تا به زندگی او معنا دهد. اذعان به خداوند و معاد و صفات خدای متعال از جمله اهداف ارزشمندی هستند که به زندگی انسان معنا داده و نظام معنای زندگی انسان را تشکیل می‌دهند. این پژوهش علاوه بر اینکه مبنایی روان‌شناختی ندارد و مبتنی بر قرآن نیست، در استقصاء مولفه‌های معنای زندگی از منظر علامه طباطبایی به عنوان اندیشمندی اسلامی، حق مطلب را ادا نکرده و به همه موارد نپرداخته است. حسینی شاهرودی و دیگران (۱۳۹۳) به رابطه خداوند و آفرینش با معنای زندگی پرداختند. به بیان این پژوهشگران دانستن معنای زندگی با اعتقاد به وجود یا نبود خدا و بالتبع با بحث آفرینش جهان و انسان پیوندی آشکار دارد. وجود خدا، به مثابه موجود کامل یا واجب الوجود، مستلزم صفاتی مانند خالقیت، حکمت و علم است. خلقت عالمانه و حکیمانه مستلزم وجود معنا و غایت برای موجودات جهان و از جمله انسان است. در این پژوهش بر اساس چند آیه و حدیث محدود، چند معنا برای زندگی استخراج شد: آزمایش، عبودیت (بندگی)، پرستش، معرفت، تقرب و بقاء. این پژوهش نیز با رویکردی فلسفی - کلامی است و رویکرد روان‌شناختی ندارد. حیدری، سالاری فر

و شاطریان (۱۳۹۸)، به ساخت پرسشنامه معنای زندگی براساس منابع اسلامی پرداخته‌اند. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی در سه بخش بینش، گرایش و کنش، چندین مولفه را از آیات و روایات استخراج کردند (ایمان به خدا، شناخت دنیا، آخرت و مرگ، هدف، ارزش انسان، داشتن بینش صحیح به سختی‌ها، امید، رضایتمندی، خدمت به هم‌نوع و خیرخواهی برای آنها، مهرورزی و ملایمت با مردم، رفتار شایسته، کسب دانش، سعادت، کار و تلاش و پشتکار، عبادت و یاد خدا، تشکیل خانواده و فرزندپروری، شادی و سرور و تفریح، ارضای گرایش‌های غریزی، عشق ورزی، استغنا و بی‌نیازی از مردم). تمرکز اصلی این پژوهش بر ساخت پرسشنامه و اعتبارسنجی آن است و به مدل‌یابی پرداخته است. عجمین، بشیری و ناروئی نصرتی (۱۳۹۵)، با روش اجتهادی، مؤلفه‌های معنای زندگی را در سه محور مؤلفه‌های شناختی (شامل شناخت خدا، شناخت دنیا و شناخت آخرت)، مؤلفه‌های نگرشی (شامل ایمان به خدا، غیب، روز قیامت، پیامبران الهی و تصمیم بر اطاعت و بندگی) و مؤلفه‌های انگیزشی (شامل شوق برای رسیدن به بهشت و ترس از مبتلا شدن به آتش جهنم و میل به کسب رضایت خداوند)، مشخص کردند. در این پژوهش از نظر روشی با تحقیق پیش رو متفاوت است. و همچنین تمرکز این پژوهش بر مولفه‌های معنای زندگی است و به مدل ارتباطی بین مولفه‌ها پرداخته است. شجاعی، غروی و جان‌بزرگی (۱۳۹۱)، معنای زندگی در نهج البلاغه را بررسی کرده و سه مولفه شناختی (شامل نگرش فرد به هستی)، عاطفی (شامل احساس رضایت از زندگی، خوش بینی و حالت امیدواری به خدا) و انگیزشی (شامل ارزش‌ها - مانند تقوا، ایمان به خدا، حفظ کرامت نفس - و هدف غایی زندگی) را به دست آوردند. در این پژوهش از روش اجتهاد دینی و تحلیل تاریخی و محتوایی متن

استفاده شده است. ابوالمعالی و آل یاسین (۱۳۹۵)، با استفاده از روش توصیف، مقوله بندی و مفهوم سازی مولفه‌های معنای زندگی از دیدگاه امام علی را مورد بررسی قرار داده و مؤلفه‌های خداباوری، اعتقاد به دنیا و آخرت، مرگ، هدف زندگی، ارزش‌های اخلاقی، رنج و کار را به دست آوردند.

این پژوهش‌ها یا هدف از زندگی را به جای سازه معنای زندگی مورد مطالعه قرار داده‌اند و یا نگاه مقوله‌ای به مولفه‌های معنای زندگی داشته و مولفه‌ها را در چند مقوله شناختی، عاطفی، انگیزشی و کنشی مقوله بندی کرده‌اند، این درحالی است که به ادعان محققینی همچون مک‌کنزی^۱ و بامستر (۲۰۱۴) و متفکران و مفسرانی بزرگ همچون علامه طباطبایی، معنای زندگی یک سازه پیچیده متشکل از مؤلفه‌های متعددی است که به شکلی معنادار در کنار هم قرار می‌گیرند (دیانی، ۱۳۹۰)، و نگاه مقوله‌ای به آن باعث دست نیافتن به مدلی مفهومی برای معنای زندگی خواهد شد. همچنین برای استخراج مدل مفهومی از متون دینی مخصوصاً قرآن، بهترین روش، روش پردازش فعال متن (مفاهیم، واژه‌ها، گزاره‌ها) است که با به‌کارگیری اصول معناشناسی زبانی صورت می‌گیرد که در هیچیک از این پژوهش‌ها مورد استفاده قرار نگرفته است. بنابراین، این پژوهش با هدف مدلیابی مفهومی معنای زندگی براساس آیات قرآن کریم با روش پردازش فعال متن انجام گرفت. این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این سوال است که: مدل مفهومی معنای زندگی و مؤلفه‌های آن بر اساس آیات قرآن کریم چیست؟

1. MacKence, M. J.

روش

در این تحقیق از روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی (شجاعی، ۱۳۹۹ الف) استفاده شده است. پایه و اساس تحلیل کیفی محتوای متون دینی، پردازش فعال متن (مفاهیم، واژه‌ها، گزاره‌ها) است که با به‌کارگیری اصول معناشناسی زبانی (شجاعی، ۱۳۹۹) صورت می‌گیرد.

جامعه متنی این پژوهش کل قرآن کریم بوده است. مستندات معنای زندگی از قرآن به صورت زیر گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت: ابتدا تمامی آیات قرآن که در باره زندگی انسان و مؤلفه‌های آن (نقطه آغاز، نقطه پایان، و مسیر پیمایش بین آن دو و ویژگی‌های هر سه) بود استخراج شد، سپس آیات تکراری حذف شد. براساس اصل حوزه واژگانی و اصل تقابل معنایی کلمات طریق، صراط، سبیل، حیات، عیش، موت، عبث، مبدأ، حق، باطل، ابتغاء مرضات الله، ابتغاء وجه الله، خلق، انشاء، لهو، خسر، عمل، اثم، عصیان، ضلاله، ظلم، بغی، جور، اجحاف، هلاک، اجل، هزل، دار، غرور، جزاء، عقاب، عبودیت، ایمان، دنیا، آخرت، خیر، شر، حبط، هدی، قرار، سکن، الی (حرف به معنای نشان دادن مقصد) استخراج شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. پس از غربالگری اولیه، پرسش‌های پیش‌برنده، پردازش شبکه‌ای و صورت بندی داده‌ها انجام گرفت و آیات طبقه‌بندی شدند. در ادامه بر اساس تحلیل کیفی محتوای متون دینی، پردازش فعال متن، از بین این آیات و طبقات، مؤلفه اصلی استخراج گردید و ویژگی‌های هر یک که در آیات ذکر شده بود به عنوان زیر مؤلفه به آن ضمیمه گشت. در نهایت رابطه بین طبقات و چینش منطقی بین آنها مشخص

شد و با توجه به این چینش معنادار، مدل مفهومی به دست آمد. همچنین جهت سنجش روایی محتوا، برای حصول از «اتقان» و «کارآمدی» یافته از دیدگاه ۸ کارشناس متخصص در علوم حوزوی که دارای تحصیلات عالیه روانشناسی هستند با استفاده از دو پرسشنامه CVI و CVR استفاده شد.

یافته‌ها

این پژوهش با هدف تدوین مدل مفهومی معنای زندگی براساس آیات قرآن کریم انجام شد. مؤلفه‌های اصلی معنای زندگی به دست آمده از آیات قرآن عبارتند از: خدا به عنوان مبدأ و مقصد هستی، هدفمندی، خلقت، مسیر زندگی یگانه، ناپایداری زندگی دنیا، آسیب پذیری زندگی دنیا، گریز ناپذیری مرگ، زندگی جاودانه آخرت.

جدول شماره ۱: مؤلفه‌های اصلی به دست آمده

مؤلفه	عنوان مؤلفه
۱	خدا به عنوان مبدأ و مقصد هستی
۲	هدفمندی خلقت
۳	مسیر زندگی یگانه
۴	ناپایداری زندگی دنیا
۵	آسیب پذیری زندگی دنیا
۶	گریز ناپذیری مرگ
۷	زندگی جاودانه آخرت

مؤلفه	محتوای استنباط شده	گزاره‌ها
خدا به عنوان مبدأ و مقصد هستی	آفریننده عالم خداست	هو الذی خلق لکم ما فی الارض جمیعاً ثم استوی الی السماء فسواهن سبع سماوات (بقره، ۲۹) الحمد لله الذی خلق السموات و الارض (انعام، ۱) بقره، ۲۱؛ بقره، ۲۹؛ نساء، ۱؛ مائده، ۱۷؛ انعام، ۱؛ انعام، ۷۳؛ انعام، ۱۰۱؛ انعام، ۱۰۲؛ اعراف، ۵۴؛ اعراف، ۱۸۵؛ یونس، ۳۴؛ هود، ۷؛ رعد، ۱۶؛ ابراهیم، ۱۹؛ ابراهیم، ۳۲؛ حجر، ۸۶؛ نحل، ۷۰؛ اسرا، ۹۹؛ مؤمنون، ۲۳؛ فرقان، ۲؛ فرقان، ۵۹؛ نمل، ۶۰؛ ملک، ۲۳؛ واقعه، ۷۲؛ یس، ۷۹
	مبدأ و منتهی خداست	إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ (یونس، ۴) قُلِ اللَّهُ يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ (یونس، ۳۴) انبیاء، ۱۰۴؛ نمل، ۶۴؛ عنکبوت، ۱۹ و ۲۰؛ روم، ۱۱
	اعراض از مبدأ، موجب سختی در زندگی می‌شود	وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى (طه، ۱۲۴)

مؤلفه	محتوای استنباط شده	گزاره‌ها
هدفمندی خلقت	خلقت، باطل نیست	رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (آل عمران، ۱۹۱)
	هدف از خلقت، عبودیت است	وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات، ۵۶)
	هدف از خلقت، کسب رضایت الهی است	وَ الَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً وَ يَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ (رعد، ۲۲) إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّيَ الْأَعْلَى (بیل، ۲۰) حشر، ۸؛ فتح، ۲۹
هدف خلقت، زندگی سعادت‌مند اخروی است	وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (عنکبوت، ۶۴) أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَ لَا هُمْ يُنصَرُونَ (بقره، ۸۶) يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغَيْكُمُ عَلِي أَنْفُسِكُمْ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (یونس، ۲۳) بقره، ۸۶	
مسیر زندگی یگانه	عبودیت، صراط مستقیم است	إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (آل عمران، ۵۱) وَ أَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (یس، ۶۱) (مریم، ۳۶)

مؤلفه	محتوای استنباط شده	گزاره‌ها
	صراط مستقیم واحد است	وَ أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكَمُ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (انعام، ۱۵۳)
	ایمان صراط مستقیم است	وَ مَنْ يَتَّبِدِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (بقره، ۱۰۸) نساء، ۱۶۷؛ مائده، ۱۲
	غفلت، عامل انحراف از صراط مستقیم است	سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ إِنْ يَرَوْا كَلِمًا آيَةً لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَ إِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَ إِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْعِغْيِ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ كَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (اعراف، ۱۴۶)
	صراط مستقیم، مسیر زندگی حق است	وَ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (بقره، ۲۱۳) إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (هود، ۵۶)
ناپایداری زندگی دنیا	موقتی بودن زندگی دنیا	قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَ فِيهَا تَمُوتُونَ وَ مِنْهَا تُخْرَجُونَ (اعراف، ۲۵) وَ مَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَ فإِنْ مِتَّ فَهُمُ الْخَالِدُونَ (انبیاء، ۳۴) بقره، ۲۸

مؤلفه	محتوای استنباط شده	گزاره‌ها
	سرگرمی به دنیا باعث غفلت از مبدأ و خدا می‌شود	<p>يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (متفقون، ۹)</p> <p>أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ (تكاثر، ۱)</p> <p>حجر، ۳</p>
	بی ارزش بودن مال دنیا	<p>يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ (غافر، ۳۹)</p> <p>يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْتَقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ (توبه، ۳۸)</p> <p>رعد، ۲۶؛ توبه، ۵۵؛ قصص، ۶۱؛ زخرف، ۳۵</p>
	دنیا، مایه لهو، لعب و فریب است	<p>وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُزُورِ (آل عمران، ۱۸۵)</p> <p>وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَ لَهْوًا وَ عَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا (انعام، ۷۰)</p> <p>انعام، ۱۳۰؛ اعراف، ۵۱؛ عنكبوت، ۶۴؛ لقمان، ۳۳؛ فاطر، ۵؛ جاثیه، ۳۵</p>

مؤلفه	محتوای استنباط شده	گزاره‌ها
	<p>دنیا برای کافران زینت داده شده است</p>	<p>زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ يَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ اللَّهُ يَزُوقُ مَنْ يَشَاءُ بغيرِ حِسَابٍ (بقره، ۲۱۲)</p> <p>زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ وَ الْقَنَاطِيرِ الْمُقْتَطِرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْحَرثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ (آل عمران، ۱۴)</p> <p>وَ مَا أَوْتِيْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعٌ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ زِينَتُهَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ (قصص، ۶۰)</p> <p>طه، ۱۳۱؛ كهف، ۴۶</p>
<p>آسیب پذیری زندگی دنیا</p>	<p>عهد شکنی با خدا موجب خسران است</p>	<p>الَّذِينَ يَنْفُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَ يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (بقره، ۲۷)</p> <p>الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقًّا تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ</p>
	<p>کفر، موجب خسران است</p>	

مؤلفه	محتوای استنباط شده	گزاره‌ها
		الْخَاسِرُونَ (بقره، ۱۲۱) مائده، ۵؛ آل عمران، ۸۵
	اطاعت از کفار و شیطان موجب خسران است	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَزُودُكُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ (آل عمران، ۱۴۹) وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا (آل عمران، ۱۱۹) مجادله، ۱۹
	عدم باور به معاد موجب خسران است	قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِإِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ (انعام، ۳۱)
	دینداری مقطعی، موجب خسران است	وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ (حجج، ۱۱)
	گناه، موجب خسران است	وَمَنْ حَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ (اعراف، ۹)

مؤلفه	محتوای استنباط شده	گزاره‌ها
		<p>قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (اعراف، ۲۳)</p> <p>مؤمنون، ۱۰۳؛ زمر، ۱۵</p>
	عدم امکان فرار از مرگ	<p>قُلْ فَادْرَأُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (آل عمران، ۱۶۸)</p> <p>أَيُّنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّسَيَّدَةٍ (نساء، ۷۸)</p> <p>انبیاء، ۳۵؛ عنكبوت، ۲۹؛ احزاب، ۱۶؛ جمعه، ۸؛ آل عمران، ۱۸۵؛ بقره، ۲۴۳</p>
گریز ناپذیری مرگ	ترس از مرگ	<p>يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حُدَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ (بقره، ۱۹)</p>
	اهمیت مردن در حال اسلام	<p>وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (بقره، ۱۳۲)</p> <p>وَمَنْ يَزِدْكُمْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَیَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (بقره، ۲۱۷)</p>

مؤلفه	محتوای استنباط شده	گزاره‌ها
		<p>إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ مَا تَوْا وَ هُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلَّةٌ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَ لَوْ افْتَدَى بِهِ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَ مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (آل عمران، ۹۱)</p> <p>آل عمران، ۱۰۲؛ محمد، ۳۴</p>
	اجل هر انسانی مشخص و به دست خداست	<p>وَ مَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا (آل عمران، ۱۴۵)</p>
زندگی جاودانه آخرت	هدف از خلقت زندگی سعادت مند اخروی است	<p>وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (عنکبوت، ۶۴)</p>
	زندگی واقعی و استقرار در آخرت است نه در دنیا	<p>وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (عنکبوت، ۶۴)</p>
	آخرت، جاودانه است	<p>لَا يَدْرُقُونَ فِيهَا الْمُوتَ إِلَّا الْمُؤْتَةَ الْأُولَى وَ وَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (دخان، ۵۶)</p>

جدول شماره ۲: گزاره‌ها، محتوای استنباط شده و مؤلفه‌ها

در جدول شماره ۲ گزاره‌ها، محتوای استنباط شده از گزاره‌ها و همچنین مؤلفه‌های به دست آمده نشان داده شده است. نتایج روایی محتوایی، برای حصول از «اتقان» و «کارآمدی» یافته‌ها که از دیدگاه ۸ کارشناس متخصص در علوم حوزوی که دارای تحصیلات عالی روانشناسی هستند استفاده شده بود، در جدول (۳) نمایش داده شده است.

جدول شماره ۳: بررسی اتقان و کارآمدی مؤلفه‌ها توسط کارشناسان خبره

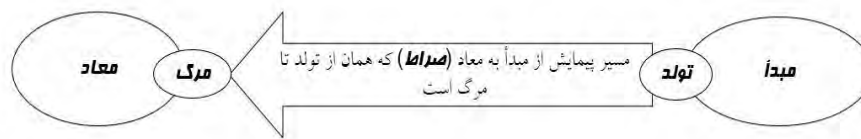
مؤلفه	CVI میزان مطابقت هر مؤلفه با مستندات	CVR میزان ضرورت هر مؤلفه برای سازه‌ها
خدا به عنوان مبدأ و مقصد هستی	۱	۱
هدفمندی خلقت	۰/۹۰۶	۱
مسیر زندگی یگانه	۰/۹۲۵	۰/۸۷۵
ناپایداری زندگی دنیا	۰/۹۷۵	۱
آسیب پذیری زندگی دنیا	۰/۹۷۵	۱
گریز ناپذیری مرگ	۰/۹۳۷	۰/۸۷۵
زندگی جاودانه آخرت	۱	۱

حداقل مقدار قابل قبول برای شاخص CVI برابر با ۰/۷۹ و با توجه به ارزیابی میزان ضرورت هر سبک مطابق مستندات قرآنی توسط ۸ کارشناس، حداقل مقدار قابل قبول برای شاخص CVR برابر با ۰/۸۵ است (شولتز^۱ و دیگران، ۲۰۱۴، ص ۸۷ و ۱۲۴). بنابراین اگر شاخص روایی هر محتوا کمتر از ۰/۷۹ و شاخص نسبت روایی هر محتوا کمتر از ۰/۷۵ باشد آن مؤلفه حذف می‌گردد.

همان‌طور که جدول (۳) نشان می‌دهد شاخص روایی و شاخص نسبت روایی همه مؤلفه‌ها تایید شده است.

برای ارائه مدل مفهومی معنای زندگی، ابتدا باید رابطه بین مؤلفه‌ها مشخص شود که در نمودار زیر نشان داده شده است.

1. Shultz. K.S.



چارچوب کلی این مدل مفهومی متشکل از ۵ زیربنا است: ۱. مبدا ادراک شده (این جهان و آفرینش مبدئی دارد)، ۲. غایت ادراک شده (معاد/آخرت)، ۳. مسیر ادراک شده که انسان باید از مبدا تا غایت بپیماید، ۴. ورود انسان از مبدا به مسیر (تولد)، ۵. خروج از مسیر و ورود به مقصد (مرگ).

توضیح این چارچوب بدین بیان است که: جهان دارای مبدئی است (خداوند) (انعام، ۱) که از آفرینش جهان هدفی داشته است (آل عمران، ۱۹۱؛ انبیاء، ۱۶؛ ص، ۲۷). و با توجه به تعبیر حق بودن آفرینش و «عدم باطل بودن»^۱ و از روی بازی^۲ و سرگرمی نبودن^۳ آن، به دست می آید که این هدف، امری دارای حقیقت، به جا، والا و باارزش است. این مبدا، برای خلقت نیز، نهایت و غایتی مشخص کرده است (نجم، ۴۲؛ نازعات، ۴۴؛ عنکبوت، ۶۴)، و تمام آفریده شدگان، چه انسان (بقره، ۱۵۶؛ یونس، ۴؛ انبیاء، ۹۳؛ انشقاق، ۶) و چه غیر انسان (ص، ۱۸-۱۹) به صورت تکوینی، از مبدا به معاد، مسیری را می پیمایند. و رسیدن به معاد، ملاقات با خدا و سعادت و زندگی در آخرت، هدف نهایی زندگی معرفی شده است (یونس، ۴؛ عنکبوت، ۶۴؛ انشقاق، ۶). و این مسیر همان صراط مستقیم و یا همان یگانه مسیر زندگی است که انسان را به غایت خواهد رساند (بقره، ۲۱۳؛ هود، ۵۶) و در بستر دنیا شکل گرفته است.

۱. ص، ۲۷؛ انبیاء، ۱۸.

۲. انبیاء، ۱۶.

۳. انبیاء، ۱۷.

نتیجه گیری

این پژوهش به دنبال ارائه مدل مفهومی معنای زندگی براساس آیات قرآن کریم بود. پس از بررسی گزاره‌های قرآنی، هفت مولفه به دست آمد که شامل: خدا به عنوان مبدأ و مقصد هستی، هدفمندی خلقت، مسیر زندگی یگانه، ناپایداری زندگی دنیا، آسیب پذیری زندگی دنیا، گریز ناپذیری مرگ و زندگی جاودانه آخرت بود. پس از آن مدل مفهومی معنای زندگی براساس آیات قرآن استخراج گردید. براساس مدل مفهومی، این جهان دارای مبدأ و مقصدی است و همه موجودات تکوینا به سمت مقصد در حرکتند. هدف نهایی زندگی، رسیدن به زندگی سعادت‌مند اخروی است و راه رسیدن به این هدف، مسیر یگانه و صراط مستقیم است.

انسان‌ها در توجه‌یابی و ادراک مسیر مبدأ تا غایت، دو دسته‌اند:

دسته اول، با ادراک و توجه‌یابی به مبدأ و غایت و درک فرایند پیمایش از مبدأ به غایت (عنکبوت، ۶۴؛ انشقاق، ۶)، معنایی ویژه در منظومه فکری‌شان پدید می‌آید؛ آخرت برای اینان، هدف و غایت ادراک شده است؛ از این رو، آخرت را اصیل می‌دانند و دنیا را مسیر گذر^۱ (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۶۵)؛ و چون مسیر تمام شدنی است، دنیا را از دست رفتنی درک میکنند (انفال، ۶۷؛ نحل، ۹۶؛ رحمن، ۲۶) و چون آخرت اصیل و غایت است، آن را ثابت و جاودان درک میکنند (نحل، ۹۶؛ یس، ۲۶). پس خود را سرگرم آن نمی‌کنند (منافقون، ۹؛ تکوین، ۱؛ حجر، ۳؛ آل عمران، ۱۸۵؛ انعام، ۷۰؛ انعام، ۱۳۰؛ اعراف، ۵۱؛ عنکبوت، ۶۴؛ لقمان، ۳۳؛ فاطر، ۵؛ جاثیه،

۱. الإمام زين العابدين عليه السلام - لاصحابه - : أما بلغكم ما قال عيسى بن مريم عليه السلام للحواريين ! قال لهم : الدنيا قنطرة ، فاعثروها ولا تعمروها.

۳۵) و برای دنیا ارزش ذاتی قائل نیستند (اعراف، ۲۵؛ انبیاء، ۳۴؛ بقره، ۲۸؛ غافر، ۳۹؛ توبه، ۳۸؛ انبیاء، ۳۴)، آن را موقتی می‌دانند (اعراف، ۲۵؛ بقره، ۲۸؛ انبیاء، ۳۴) و لذات دنیا برای‌شان زینت داده نمی‌شود (بقره، ۲۱۲؛ آل عمران، ۱۴؛ قصص، ۶۰؛ طه، ۱۳۱؛ کهف، ۴۶). سرگرم شدن به دنیا، در نگاه اینان، چیزی جز، لهو، لعب و فریب نیست زیرا آنان را از توجه به غایت و مقصد (معاد) باز می‌دارد. اینان به دلیل توجه و اصالتی که به مقصد (آخرت) دارند، همواره خود را آماده رسیدن به مقصد می‌کنند (بقره، ۱۹۷)، مرگ در نظر اینان انتهای مسیر دنیا و دروازه ورود به مقصد است، بنابراین از مرگ هراسی ندارند. آنان در پی آنند که به سلامت از مسیر دنیا عبور کرده و به مقصد برسند (بقره، ۱۳۲ و ۲۱۷؛ آل عمران، ۹۱ و ۱۰۲؛ محمد، ۳۴). یگانه مسیر پیمایش از مبدأ به غایت و رسیدن به مقصد، صراط مستقیم است (انعام، ۱۵۳) که دسته اول به این مسیر توجه داشته (اعراف، ۱۴۶) و طبق مقتضای مسیر، رفتار می‌کنند که در قرآن از این رفتار به عبودیت تعبیر شده است (آل عمران، ۵۱؛ یس، ۶۱). این دسته، با عبودیت، رضایت الهی را در پی خواهند داشت (رعد، ۲۲؛ لیل، ۲۰؛ حشر، ۸؛ فتح، ۲۹) و به مقتضای رفتار طبق معنای ویژه‌ای که داشتند به زندگی سعادت‌مند اخروی دست می‌یابند.

اما دسته دوم افرادی هستند که به مبدأ و غایت، ادراک و باور نداشته و معنایی متفاوت از آنچه برای دسته اول شکل گرفته، در منظومه فکری‌شان ترسیم می‌شود؛ اینان برای دنیا (که محل عبور است) اصالتی ذاتی قائلند، بنابراین سرگرم آن می‌شوند (منافقون، ۹؛ تکوین، ۱؛ حجر، ۳) و دنیا در چشمشان زینت داده شده می‌شود (بقره، ۲۱۲؛ آل عمران، ۱۴؛ قصص، ۶۰؛ طه، ۱۳۱؛ کهف، ۴۶). اینان ادراکی ظاهری، سطحی

و غیر واقعی از دنیا دارند و به ادراک واقعی از آن و پشت پرده آن دست نیافته‌اند (روم، ۷). این افراد خود را مشغول دست‌یابی به پاداش‌های آنی، زودگذر و ازین‌رفتنی دنیا می‌کنند و از پاداش واقعی و جاودان که در غایت و انتهای مسیر وجود دارد، بی‌بهره می‌مانند (اسراء، ۸؛ شوری، ۲۰؛ حدید، ۲۰) در قرآن از اینان به زیان‌کاران یاد شده است. زیرا با این باور (اصالت دادن به دنیا)، با مبدأ خود (خداوند) در رسیدن به غایت، عهد شکنی می‌کنند (بقره، ۲۷) و او را نادیده گرفته و به او کفر می‌ورزند (بقره، ۱۲۱؛ مائده، ۵؛ آل‌عمران، ۸۵)، مشغول به رفتارهایی می‌شوند که آنان را از رسیدن به غایت و مقصد بازمی‌دارد (گناهان) (اعراف، ۹؛ اعراف، ۲۳؛ مومنون، ۱۰۳؛ زمر، ۱۵)، از زیان‌کاران دیگر برای بهره‌بردن بهتر از دنیا پیروی می‌کنند (آل‌عمران، ۱۴۹؛ آل‌عمران، ۱۱۹؛ مجادله، ۱۹) و در صورت نیاز به خدا، دینداری مقطعی خواهند داشت (حج، ۱۱). اینان چون برای دنیا اصالت قائلند و دنیا هدف و غایت ادراک شده آنان است، نسبت به آخرت غفلت دارند (منافقون، ۹؛ تکوین، ۱؛ حجر، ۳؛ اعراف، ۱۴۶)، و بالتبع به صراط و مسیر پیمایش هم بی‌توجهند. اینان چون باور به غایت و مقصد اصلی (آخرت) ندارند، مرگ را پایان کار می‌دانند (بقره، ۲۵۹) بنابراین از مرگ می‌هراسند (بقره، ۱۹) و فرار می‌کنند (بقره، ۱۶۸؛ نساء، ۷۸؛ انبیاء، ۳۵؛ عنکبوت، ۲۹؛ احزاب، ۱۶؛ جمعه، ۸؛ آل‌عمران، ۱۸۵؛ بقره، ۲۴۳). این دسته، با تمرد از اطاعت و طغیان و نپیمودن مسیر رسیدن به غایت (علق، ۶)، خشم مبدا (خداوند) را در پی خواهند داشت (بقره، ۹۰) و به مقتضای رفتار مطابق با معنای ویژه‌ای که داشتند، تنها در پی آباد کردن دنیای خود بوده و به زندگی سعادت‌مند در مقصد، دست نمی‌یابند (شوری، ۲۰؛ بقره، ۲۰۰).

توجه به معنویت و مذهب مراجع در دیدگاه‌های نظریه پردازانی همچون یونگ و آدلر^۱ بوده است، اما در سال‌های اخیر توجه به معنویت و مذهب مراجع در زمره اولویت‌های روان درمان‌گران قرار گرفته است (جان‌بزرگی و غروی ۱۳۹۵، ص ۳۶۲). نظام درمانی دربردارنده مولفه‌های شناختی و رفتاری است (بارفیلد^۲، ۲۰۰۱، ص ۱۸) از جمله این مولفه‌های شناختی معنای زندگی است. درمان‌گر موفق، درمان‌گری است که پارادیم و فرایند درمانی خود را بر اساس مذهب و نیاز مراجع برنامه‌ریزی کند. بنابراین برای درمان‌گران نیز توجه به مولفه، سازه و مدل معنای زندگی در نزد مسلمانان از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. درمان‌های معنا محور، معنویت را با معنادگی به تجربه‌ها، باورها و پدیده‌هایی که وابسته به جنبه‌های متعال و هستی‌نگرانه زندگی هستند تعریف می‌کنند (مانند خدا یا قدرت مطلق، هدف زندگی، معنای زندگی، رنج، مرگ، نیکی و شر). (ریچارد و برجین^۳ ۱۹۹۷) به نقل از جان‌بزرگی). به اعتقاد پینه - جکسون (۲۰۰۸) جهان بینی شامل نظام‌های اعتقادی یا باورهای فرد است که ادراک شناختی او از دنیای طبیعی و رابطه‌اش با دنیای ماوراء الطبیعی را در برمی‌گیرد.

بر همین اساس، در سال‌های اخیر رویکردهای درمانی معنا محور پدید آمده‌اند؛ پارگامنت^۴ معنویت را جستجوی امر قدسی تعریف می‌کند. در نظر پارگامنت، امر مقدس یکی از مفاهیم کلیدی در درمان است. هسته اصلی امر مقدس، خدا است.

1. Jung, C,G & Alfred, A.
2. Barfield, T.
3. Richards, P. S. & Bergin, A.
4. Pargament, k.

پارگامنت به فرایندی تحت عنوان تطهیر^۱ برای تغییر نگاه به زندگی و جایگزینی معنا و ویژگی خدایی با جنبه‌های سکولار زندگی، اشاره می‌کند (جان‌بزرگی و غروی ۱۳۹۵، ص ۳۶۲). بر همین اساس (لزوم تغییر نگاه و جایگزینی نگاه خدامحور با نگاه سکولار)، پژوهش حاضر انجام پذیرفت. در این پژوهش نگاه خاص به مفهوم زندگی و معنای آن بر اساس آیات قرآن، ارائه شد. بر اساس برخی رویکردهای نو ظهور درمانی، مانند درمان چند بعدی معنوی که یک رویکرد خداسو است، مهم‌ترین انگیزه انسان اکتشاف و توسعه خود در ارتباط با مبدا و غایت خویشتن است (جان‌بزرگی ۱۳۹۸، ص ۲۴). با توجه به داده‌های این رویکردها، مفهوم توحید و توحید یافتگی در معنویت از اهمیت خاصی برخوردار است و مذهب مهم‌ترین پاسخ به این نیاز اساسی است (جان‌بزرگی و غروی ۱۳۹۵، ص ۳۶۲). از اینرو، یافته پژوهش حاضر، تحقیقی برای یافتن پاسخ از مذهب اسلام برای توحید یافتگی در معنویت به شمار می‌رود. انسجام حوزه ادراکی انسان (مبدا ادراک شده، معاد ادراک شده، خود ادراک شده و مسیر ادراک شده) موجب توحید یافتگی و عدم انسجام آن را موجب آسیب‌های روان‌شناختی خواهد بود (جان‌بزرگی ۱۳۹۸، ص ۲۵).

نتایج این پژوهش با پژوهش صمیمی و دیگران (۱۳۹۹)، دیانی (۱۳۹۰) و مک‌کنزی و بامستر (۲۰۱۴)، از این نظر که معنای زندگی، معنای زندگی یک سازه پیچیده متشکل از مؤلفه‌های متعددی است که به شکلی معنادار در کنار هم قرار می‌گیرند، همسو است. همچنین با یالوم (۱۹۸۰) و شایان‌فر و قلعه (۱۳۹۸)، در اینکه برخی مولفه‌های معنای زندگی مابعد الطبیعه هستند، همسو است. همچنین با حسینی

1. sanctification

شاهرودی و دیگران (۱۳۹۳) و دیانی (۱۳۹۰)، در اینکه ادراک مبدا و غایت ادراک شده (معاد) از جمله نظام معنای زندگی هستند همسو است. به رابطه خداوند و آفرینش با معنای زندگی پرداختند. همچنین به طور کلی با سالاری فر و دیگران (۱۳۹۸)، عجمین و دیگران (۱۳۹۵)، شجاعی و دیگران (۱۳۹۱) و ابوالمعالی و آل یاسین (۱۳۹۵) همسو است.

از سوی دیگر با برونک، فینچ و تالیب (۲۰۱۰)، ماسکار و روزن (۲۰۰۸)، گردون و جوز (۲۰۱۵)، یه هو، چیونگ و چیونگ (۲۰۱۰)، از این جهت که معنای زندگی را امری ساده و بسیط (نه سازه) دانسته‌اند همسو نیست.

با توجه به یافته این پژوهش پیشنهاد می‌شود:

۱. ساخت پروتکل و یا بسته‌های آموزشی و درمانی با رویکرد اسلامی جهت درمان و یا ارتقاء سلامت روان
۲. ساخت پروتکل معنادرمانی در قالب نظریه درمان چند بعدی معنوی، یک رویکرد خداسو
۳. ساخت پرسشنامه معنای زندگی براساس آیات قرآن و بررسی روایی و اعتبار سنجی آن.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمدبن علی، (۱۳۶۲)، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین.
۳. ابوالمعالی، خدیجه و فاطمه سادات آل یاسین (۱۳۹۵)، «بررسی معنای زندگی از دیدگاه امام علی و مقایسه آن با دیدگاه ویکتور فرانکل»، *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، س ۴، ش ۶، ص ۸۵-۱۰۵.
۴. احمدی، سمیه و دیگران (۱۳۹۵)، «نوجوانی و تحول معنا: مقایسه منابع و ابعاد معنوی زندگی در دختران و پسران نوجوان»، *مطالعات روانشناسی بالینی*، س ۶، ش ۲۳، ص ۱۴۹-۱۷۷.
۵. بیات، محمدرضا، (۱۳۹۰)، *دین و معنای زندگی در فلسفه تحلیلی*، تهران: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۶. حسینی شاهرودی، مرتضی و دیگران (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه خدا و آفرینش و معنای زندگی با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی»، *اندیشه دینی دانشگاه شیراز*، س ۱۴، ش ۳، ص ۴۹-۷۲.
۷. حیدری، زهره، محمدرضا سالاری فر و فاطمه شاطریان (۱۳۹۸)، «ساخت، اعتباریابی و رواسازی آزمون معنای زندگی براساس منابع اسلامی»، *اسلام و روانشناسی*، س ۱۳، ش ۲۵، ص ۷-۲۵.
۸. دیانی، محمود (۱۳۹۰)، «معنای زندگی از منظر سید محمد حسین طباطبایی»، *دانشگاه قم*، س ۱۲، ش ۴، ص ۲۳-۳۹.
۹. شایانفر، شهناز و الهه قلعه (۱۳۹۸)، «مؤلفه‌های مابعدالطبیعی معنی زندگی به روایت اروین یالوم»، *پژوهشهای هستی‌شناختی*، س ۸، ش ۱۵، ص ۶۷-۹۳.
۱۰. شجاعی، محمد صادق (۱۳۹۹)، «روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی: مبانی نظری و مراحل اجرا»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، س ۱۴، ش ۲۷، ص ۷۳-۴۱.
۱۱. شجاعی، محمد صادق، محمد غروی و مسعود جان‌بزرگی (۱۳۹۱)، «معنای زندگی در نهج البلاغه»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، س ۶، ش ۱۱، ص ۳۷-۵۷.

۱۲. شرفی، محمدرضا (۱۳۸۸)، «فلسفه معنای زندگی از منظر اسلام»، روانشناسی و علوم تربیتی، س ۳، ش ۳۹، ص ۱۴۳-۱۷۰.
۱۳. صمیمی، عادل؛ شهیدی، شهریار؛ پناغی، لیلی؛ باقریان، فاطمه؛ دهقانی، محسن (۱۳۹۹)، «معنای زندگی چیست و تکوین آن چگونه است؟ یک مطالعه کیفی بر روی دانشجویان ایرانی»، روانشناسی کاربردی، س ۱۴، ش ۳، ص ۱۷۳-۱۹۹.
۱۴. عجمین، محمد، ابوالقاسم بشیری و رحیم نارویی نصرتی (۱۳۹۵)، «ارتباط معنا و سبک زندگی در گستره قرآن کریم و نقد دیدگاه ویکتور فرانکل»، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، س ۵، ش ۹، ص ۹-۲۹.
۱۵. غزالی، محمد بن محمد (بی تا)، *احیاء علوم الدین*، بیروت، دار الکتب العربی.
۱۶. جان‌بزرگی، مسعود؛ غروی، سید محمد (۱۳۹۵)، *نظریه‌های نوین روان‌درمانگری و مشاوره؛ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه*.
۱۷. جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۹۸)، *درمان چند بعدی معنوی یک رویکرد خداسو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه*.
۱۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، *بحار الأنوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. یالوم، اروین (۱۳۹۲)، *اگزیستانسیال روان‌درمانی*، ترجمه سپیده حبیب، تهران: نی.
20. Grouden, M. E. & Jose, P. E. (2015). Do sources of meaning differentially predict search for meaning, presence of meaning, and wellbeing? *International Journal of Wellbeing*, 5(1), 33-52.
21. MacKence, M. J. & Baumeister, R. F. (2014). Meaning in life: natures, needs, and myths. In A. Batthyany & P. Russo-Netzer (Eds), *Meaning in positive and Existential psychology* (pp. 3-22). New York: Springer
22. Yee Ho, M., Cheung, F. M. & Cheung, S. F. (2010). The role of meaning in life and optimism in promoting well-being. *Personality and individual differences*, 48, 658 – 663.
23. Mascaro, N., & Rosen, D. (2008). Assessment of existential meaning and its longitudinal relations with depressive symptoms. *Journal of Social & Clinical Psychology*, 27, 576-599.
24. Frankl, W. V. (1973), *the doctor and the soul*, New York.
25. Maslow, A. H. (1971), *the farther researchs of human nature*, New York: Viking press.

26. Baumeister, R. (1991), How Storise Make Sense of personal experience: motives that shape autobiographical narratives personality and social psychology bulletin, v: 20, p: 676-690.
27. Yalom, Y. D. (1980), existential psychotherapy. New York: basic books.
28. Shultz, K. S.; Whitney, D. J.; Zickar, M. J. (2014). *Measurement Theory in Action, Case Studies and Exercises*, New York: Routledge.

